

انجمن‌های ادبی اصفهان از دیروز تا امروز*

سعید بیابانکی

درآمد

انجمن‌های ادبی را می‌توان به مثابه‌ی استوانه‌هایی دانست که از آغاز تا به امروز، همواره شعر ایران را حفظ کرده‌اند. درست است که شاعری غیرقابل آموزش است، ولی انجمن‌های ادبی، همواره مکان‌هایی بوده‌اند برای کشف و پرورش استعدادها. انجمن‌های ادبی، نقدپذیری را به شاعران می‌آموزند. همیشه در این جمع‌ها، شاعرانی هستند که به لحاظ قوت شعری و تجربه، از مقبولیت بیشتری برخوردارند و حکم استاد دارند. در انجمن‌ها، شعر شاعران حسابی چکش می‌خورد و چه بسا نکاتی از طرف استادان به شاعران گوشزد شود که شعر شاعر را از زمین به آسمان برد. درست به همین دلیل است که معمولا شاعران ترجیح می‌دهند آثار تازه‌ی خود را ابتدا در انجمن‌ها بخوانند که گوش‌ها همگی برای نقد تیز شده است و بعد در مجامع عمومی.

اصفهان به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم شعر کشور، از دیرباز دارای انجمن‌های مهم و تاثیرگذار بوده است. در این نوشته، تلاش شده به انجمن‌های ادبی اصفهان از منظر تاریخی نگریسته شود.



کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاع‌رسانی
موسسه تخصصی زبان و ترجمه
موسسه تخصصی زبان و ترجمه
موسسه تخصصی زبان و ترجمه

سیری در تاریخ

از زمان صفویه نمی‌توان به مستندات دست یافت که در اصفهان چیزی به نام انجمن ادبی وجود داشته است؛ یعنی دقیقا به همین مضمون، جایی که شاعران در زمان مشخصی در هفته یا ماه گردهم جمع شوند شعر بخوانند و احتمالا در مورد شعر یکدیگر صحبت کنند؛ ولی نصرآبادی در «تذکره» اش اشاره کرده روزهای جمعه در مسجد «لنجان» که مقر او بوده، به تعدادی از شعرا برخورد کرده که برای یکدیگر شعر می‌خوانده‌اند. این جمع را می‌توان نخستین جمع شاعران اصفهان نامید البته شاید نتوان به این جمع، «انجمن» اطلاق کرد. یا مثلا در منزل میرزا صائب، شاعران جمع می‌شده‌اند و شعر می‌خوانده‌اند که به این جمع هم شاید بتوان انجمن گفت. با توجه به این گونه مستندات، می‌توان گفت که در زمان صفویه، شاعران گرد هم جمع می‌شده‌اند، ولی چیزی به نام یک انجمن رسمی با مشخصاتی که لازمه‌ی این گونه تشکل‌هاست وجود نداشته است.

در اواخر دوره صفویه و هم‌زمان با سقوط اصفهان و تشکیل حکومت زندیه در اصفهان، به انجمن‌های ادبی رسمی بر می‌خوریم. یکی از این انجمن‌ها، انجمنی است که طیب اصفهانی آن را اداره می‌کرده است. شاید همه‌ی اهالی شعر، این غزل‌شهر طیب را شنیده‌اند که:

غمت در نهن خانهای دل نشیند

به نازی که لیلی به محمل نشیند

طیب در این زمان «کلان‌تر» اصفهان است، یعنی بزرگ‌تر و مورد اعتماد مردم. اتفاقا واژه‌ی «کلانتری» هم از همین دوران استخراج شده و وارد چرخه‌ی زبان شده است. در اواخر حکومت کریم‌خان زند، یک انجمن رسمی در اصفهان تشکیل می‌شود و آن گونه که نوشته‌اند مشتاق اصفهانی آن را اداره می‌کرده است که ظاهرا با تاریخ حیات مشتاق، مطابقت ندارد؛ چرا که در این هنگام، مشتاق در قید حیات نبوده است و قطعا این انجمن را شاگردان مشتاق اداره می‌کرده‌اند؛ مثل شعله و عاشق و... که سال‌ها بعد، صهبای قمی و لطفعلی بیگ آذر بیگدلی و صباحی بیگدلی و هاتف هم به این انجمن می‌پیوندند. بنابر این، انجمن یاد شده که در تاریخ ادبیات به «انجمن مشتاق» مشهور است را می‌توان اولین انجمن ادبی اصفهان نامید. انجمنی که سبک بازگشت را پایه‌گذاری می‌کند و چهره‌های شاخص این سبک هم، از همین انجمن مشتاق برآمده‌اند.

دومین انجمن اصفهان، انجمنی است که آن را نشاط اصفهانی که از اخلاف طیب اصفهانی است، بنیان‌گذاری کرده است و از نظر تاریخی با آغامحمدخان هم‌زمان است. بعدها در زمان حکومت فتحعلیشاه، با توجه با این که فتحعلیشاه خودش شاعر بوده، نشاط را به تهران دعوت می‌کند که انجمن نشاط هم چهره‌های شاخصی دارد مثل: مجمر، فروغی، قآنی و سروش.

سومین انجمن ادبی اصفهان که به صورت رسمی فعالیت می‌کرده است، انجمن ادبی ابوالفقراء نام دارد که در هم‌زمان با دوران ناصرالدین شاه قاجار است. در این انجمن، شاعرانی مثل عمان سامانی، دهقان سامانی، پرتو اصفهانی، عنقا و همای شیرازی گردهم جمع می‌شده‌اند. چهارمین انجمن رسمی اصفهان، که از شهرت بالایی هم برخوردار بوده،

انجمن میرزا عباس خان شیداست. شیدا شاعر و فاضلی است که مجله‌ای هم به نام «دانشکده» منتشر می‌کرده است. به لحاظ تاریخی، انجمن شیدا با مشروطه هم‌زمان است و شاعران زیادی هم در این انجمن گرد شیدا جمع می‌شده‌اند.

بعد از وفات میرزا عباس خان شیدا، در مدرسه‌ی چهارباغ اصفهان، انجمنی به نام انجمن کمال شکل می‌گیرد. بنیانگذار انجمن کمال، صغیر اصفهانی است، ولی اداره‌کننده آن، مرحوم الفت است که ایشان نیز از شعرا و فضایی بنام است. شاخص‌ترین شاعران انجمن کمال، بصیر، متین و شکیب هستند.

انجمن صائب، مشهورترین انجمن اصفهان

اما مشهورترین انجمن ادبی اصفهان که از سال ۱۳۴۳ به طور رسمی آغاز به کار کرده است، انجمن صائب است که هم‌زمان با افتتاح مقبره و باغ صائب گشایش یافته است. حلقه‌ی اولیه‌ی انجمن صائب: صغیر، نواب صفا، متین، شکیب، بصیر و... بوده‌اند. در واقع از سال ۱۳۴۵ که محمد شیدا (بی‌ریای گیلانی) به اصفهان می‌آید، انجمن صائب را بدون وقفه تا سال ۱۳۵۵ اداره می‌کند. شهرت انجمن صائب، با حضور بی‌ریای گیلانی که خود از شعرا، فضلاء و ادبای مشهور زمان خود است، دروازه‌های اصفهان را در می‌نوردد و کل کشور را فرا می‌گیرد. انجمنی که هر هفته صبح‌های جمعه بر مزار صائب تیریزی پذیرای جمع کثیری از شاعران اصفهان، شخصیت‌های فرهنگی، دانشگاهیان و هنرمندان طراز اول است و شیدایا با شعر نو مخالف است؛ به گونه‌ای که خواندن شعر نو در آن ممنوع است! گویا یک بار هم که حمید مصدق قصد داشته در این انجمن شعر نو بخواند، با اعتراض مواجه شده و جلوی شعرخوانی او گرفته شده است.

انجمن صائب آرام آرام به شهرتی جهانی می‌رسد، به گونه‌ای که از شبه قاره هند، آلمان، سوئیس، روسیه، تاجیکستان و کشورهای دیگر، برنامه‌های حضور در این انجمن طراحی می‌شود و هر گروه از جهانگردان و شخصیت‌های علمی فرهنگی که به ایران سفر می‌کنند، حتما برنامه‌ای نیز جهت حضور در انجمن صائب دارند.

ورود به انجمن صائب با کارت مخصوص بوده و عضویت در آن هم پروسه‌ای دشوار داشته است، به گونه‌ای که معمولا جوانان نمی‌توانسته‌اند به انجمن صائب راه پیدا کنند. اولین شاعر جوانی که در انجمن صائب پذیرفته می‌شود، خسرو احتشامی است که در حال حاضر یکی از غزل‌سرایان بنام روزگار ماست. انجمن صائب در کشف و پرورش ذوق شاعران کلاسیک، یکی از مهم‌ترین انجمن‌های کشور بوده است. پناه، فرهاد، شفیق و... از جوانان مطرح آن روزگار بوده‌اند که در این انجمن عضویت داشته‌اند. در انجمن صائب، رسم بر این بوده که هر هفته یک بیت یا مصرع به عنوان «طرح» مطرح شود و شاعران بنا به ذوق خود، آن بیت را ادامه دهند معمولا مصراع یا بیت از صائب انتخاب می‌شده است. شروع جلسات انجمن هم، همواره با قرائت غزلی از صائب بوده است و شرح دشواری‌های آن که این رسم هنوز هم ادامه دارد.

بعد از بی‌ریای گیلانی، محمدعلی صاعد، انجمن صائب را تا به امروز اداره

مشهورترین
انجمن ادبی اصفهان
۱۳۴۳ سال
که از سال رسمی آغاز
به طور رسمی است،
به کار کرده است که
انجمن صائب است که
هم‌زمان با افتتاح مقبره
و باغ صائب گشایش
یافته است.
اولیه‌ی انجمن صائب:
صغیر، نواب صفا، متین،
شکیب، بصیر و...
بوده‌اند.



از انقلاب اسلامی، ما شاهد ظهور و بروز انجمن‌های ادبی هستیم که البته معمولاً عمری کوتاه دارند؛ بعضی از آن‌ها قربانی مزریندی‌های سیاسی فدایی می‌شوند و بعضی دیگر جوانان تندروی‌های



شماره ۶۷
پاییز ۱۳۸۸

کرده است. البته با رفتن بی‌ریای گیلانی از اصفهان و درگذشت بسیاری از بزرگان آن روزگار، انجمن صائب شهرت و اعتبار آن روزگار خود را به تدریج از دست داده است.

انجمن‌های دیگر و جنگ اصفهان

به موازات انجمن صائب، انجمن‌های دیگری هم در اصفهان شکل گرفته که البته هیچ کدام به شهرت و اعتبار انجمن صائب نرسیده‌اند؛ مثل انجمن سعدی که مرحوم طلایی آن را اداره می‌کرده یا انجمن اصفهان، که مدیریت آن به عهده‌ی دکتر سیاسی بوده است. هم‌چنین انجمن نظامی که آن را جلال برجیس اداره می‌کرده و انجمن دیگری که حمید مصدق با دوستانش تشکیل داده بود ...

محمد حقوقی هم، به اتفاق جمعی از دوستان خود، جنگ اصفهان را راه‌اندازی کرده بود که کسانی مثل رستمیان، گلشیری، کلباسی، میرعلایی و... در آن حضور داشتند. البته جنگ اصفهان، یک نشریه بود که اتفاقاً بسیار طرفدار داشت و هم‌زمان با مخالفت انجمن صائب با شعر نو و سپید، در اصفهان به انتشار شعر مدرن می‌پرداخت؛ از این رو شاید نتوان جنگ اصفهان را انجمن نامید، ولی تاثیرگذاری آن نشریه را چه بسا باید فراتر از یک انجمن ادبی دانست.

انجمن‌های ادبی پس از انقلاب

بعد از انقلاب اسلامی، ما شاهد ظهور و بروز انجمن‌های ادبی تاثیرگذاری در اصفهان هستیم که البته معمولاً عمری کوتاه دارند؛ بعضی از آن‌ها قربانی مزریندی‌های سیاسی می‌شوند و بعضی دیگر فدایی تندروی‌های جوانان، از آن میان، می‌توان به انجمن کمال که به نوعی یادآور انجمن کمال صغیر اصفهانی است اشاره کرد؛ انجمنی که اتفاقاً در مدرسه‌ی چهارباغ تشکیل می‌شد و کمتر از چندماه با استقبال پر شور جوانان مواجه شد که از آن جمع، می‌توان به جوانانی اشاره کرد که بعضی از آن‌ها شعر را ادامه دادند. کسانی مثل زیبا طاهریان، نگارنده (سعید بیابانکی)، امین شیرزادی، نرگس گنجی، ناصر همتی، علیرضا کربخش، محسن زمانی، حسین مکی‌زاده، مسعود سالاری، فریال فانیان، محمد مستقیمی، قنبرعلی تابش، محمد ظاهر احمدی، مژگان فرهمند و... ولی ظاهراً همه‌ی انجمن‌ها به گونه‌ای دولت مستعجل بودند و دخالت مستقیم دستگاه‌های فرهنگی، غالباً به انحلال آنها منجر شد.

در میان انجمن‌های اصفهان، شاید بتوان انجمن ادبی سروش را هم که در «سده»ی اصفهان تشکیل می‌شود، یکی از انجمن‌های قدیمی و تاثیرگذار نامید. انجمنی که تقریباً با انجمن صائب اصفهان هم سن و سال است. زنده یاد استاد خلیل بلدی (باغبان) شاعری بود سلیم‌القطره و صاف‌دل؛ شاعری که طول هفته را با گل‌ها و میوه‌ها و درخت‌ها می‌گذراند و شب‌های جمعه را با شاعران که وارث آب و خرد و روشنی‌اند. انجمن سروش طی چند دهه فعالیت مستمر توانست استعدادهایی را کشف و پرورش دهد که از میان آن‌ها می‌توان به: مجید زهتاب، عباسعلی مهدی، اصغر حاج حیدری (خاسته)، حسین حاج هاشمی، محمد حسین صفاریان، محسن نیکنام، الهام عمومی، هاجر فرهادی، جواد زهتاب و ... اشاره کرد. انجمن سروش هم وقتی محور اصلی خود یعنی استاد خلیل بلدی (

باغبان) که هیچ‌گاه در بند نام و نان نبود را از دست داد، از رونق اولیه افتاد و این ظاهراً بلای همه‌ی انجمن‌هایی است که قطب اصلی به مراتب از همه بالاتر ایستاده است.

سخن آخر

در شرایط فعلی و با ظهور و بروز رسانه‌های مدرن، جوانان احساس می‌کنند به انجمن ادبی نیاز ندارند و همین که به چند وبلاگ و سایت سرک کشیدند، نیاز ادبی آن‌ها مرتفع می‌شود و دل به چند کامنت از سوی وبگردان خوش کرده‌اند؛ در صورتی که حضور واقعی در جمعی که همه برای شنیدن شعر آمده‌اند و اتفاقاً گوش‌ها و ذهن‌های آماده‌ای برای شنیدن و انتقاد دارند، می‌تواند شعر آنها را صیقل دهد.

* ۱- در این نوشتار از خاطرات استاد خسرو احتشامی بهره ی فراوان بردام.

